



نوشته از بصیر دهنزاد

در گیرودار منافع آمریکا یا چنگ زدن بر ندای آتش بس و دفاع از حق حیات؟

شورای رهبری انجمن حقوقدانان افغان در اروپا آخرین فراخوان پیرامون آتش بس فوری و سراسری را به نشر سپرد. مقاله هاذا توضیحی بر محتوای و ضرورت این فراخوان میباشد. در ماه های بعد از امضای توافقنامه دولت آمریکا با طالبان با آنکه اهداف آمریکا، طالبان و استخبارات پاکستان بدون کدام تغییر و تحول به نفع ملت و حاکمیت ملی، وفاق و منافع ملی افغانستان نیست و نبوده است، جنگ و کشتار اهالی ملکی شدت بی سابقه را کسب نموده است. ملل متحد هم از خواب طولانی پیرامون جنگ افغانستان بیدار شده و یکبار پهلو زد ه، این هفته های اخیر جنگ و کشتار توسط طالبان را وحشتناک و بی سابقه خوانده است.

دها سال قبل این پیشبینی و نتیجه گیری وجود داشت که مثلث آمریکا- طالبان - دستگاه استخبارات و حکومت پاکستان هم آمیخته با منافع همدیگر اند. ما ها که تاریخ زنده چهل ساله کشور هستیم، فاکت های امتحان شده را یکبار دیگر به امتحان میگیریم و بعضی از ما ها به امید های واهی دل میبندیم. باید این سوال را مطرح نمود که :

در شرایط کنونی و ادامه زنج های بیکران مردم افغانستان ناشی از چهل سال جنگ و تباهی کدام ضرورت بیشترین ارجحیت و تقدم را دارد؟ ، انتخاب بین پیچیدن بالای امید های واهی ، فریب ، خاک در چشم زدن و یا انتخاب داشتن حق حیات و بلند کردن صدای رسا بخاطر این حق انسانی و گره زدن توانایی ها با همدیگر؟

باید در شرایط و اوضاع کنونی به این هم اندیشید و مصمم شد که چگونه همه توان، انرژی و همدفندیها را با هم میتوان گره زد و گام های متین را دربار کردن جاده انقلاب امید گذاشت. آیا خموشی و امید های واهی بدیل قابل انتخاب اند و یا انتخاب تحرک و به پا ایستادن برای کسب حق حیات و صدای رسا بخاطر آتس بس فوری و سراسری!!؟

چرا این هدف و خواست ملی ، برای کی ، بخاطر کی و توسط کی؟؟؟

بدون شک ما و ملت مظلوم ما در برابر چال، فریب و خاک در چشم زدن مثلث آمریکا- استخبارات پاکستان - طالبان و سازمانهای تروریستی تحت حمایت و مصئونیت طالبان و استخبارات پاکستان یعنی القاعده، لشکر طیبه ، تروریستان داعشی و گروه های وابسته از آسیای میانه قرار داریم.

برای یک استدلال دقیق بر این موضوع چند فاکت و دلایل مبنی بر عدم صداقت طالبان، استخبارات پاکستان و برای ختم جنگ در افغانستان و سیاست غرض آلود دولت ایالات متحده آمریکا در عقب آن:

۱- شدت بی سابقه جنگ، قتل و کشتار توسط طالبان، بعد از امضای یک موافقت نامه به اصطلاح صلح و وعده کاذب طالبان بر آغاز مذاکرات بین الافغانی.

طالبان که قبل از این موافقتنامه در برآمد های ژورنالستیک شان از دولت با قاعده وسیع و سهمگیری تمام نیرو های سیاسی در یک حکومت لاف میزد، بعد از توافقنامه بکلی آن حرف ها و وعده ها را با پشت پا زد و بازهم ادامه جنگ و ایجاد امارت اسلامی را مطرح نمود. اکنون که طالبان در حملات وحشیانه بر خطوط دفاعی نیرو های رزمی کشور موفقیت بدست نمیآورد، روزانه ده ها طفل، زن و مرد بی دفاع قربانی های کنار جاده میگردند. نماینده گان طالبان در کابل وزیر چتر حمایت دولت و نهاد های به اصطلاح خیریه شان بشارت موفقیت طالبان و شرایط طالبان را از تلویزیون های داخل افغانستان با لبجند زمزمه میکنند. به بیان کوتاه طالبان که به اصطلاح خود شان با کفار!!! کنار آمدند، کشتن و وحشت و دهشت را در برابر مسلمانان هموطن شان بطور بی سابقه شدت بخشیده اند.

۲- حکومت آمریکا از طریق نماینده اش آقای خلیلزاد بیشترین امتیازات را در مذاکرات و پروسه های بعدی، تا امروز پیوسته به طالبان میدهد و خاک بر چشم ملت غم و آسیب دیده افغانستان زده، با وعده های میان تهی " وعده وقت گل نی " میدهد. آقای خلیلزاد، به قول مشاور اسبق رئیس جمهور ترامپ، یک کلاه بردار ماهراست و برای ما افغانان فقط و فقط یک آمریکائی تمام عیار که با مهارت خاص منافع کوتاه مدت و دراز مدت آمریکا در افغانستان را مدیریت میکند، دیگر نباید آن گروه از روشنفکران افغان که در دو سال اخیر شیفته این کلاه بردار شده بودند و او را در محافل خویش ریکلام میکردند، اکنون به واقعیت موضوع پر برده، خود را به هیچ و پیچ های وی دلگرم نسازند،

۳- حکام آمریکائی تلاش دارند تا با کشاندن پای روسیه در جنگ افغانستان، تحت بهانه جنگ بر ضد داعش، صفحه جدید جنگ را باز نمایند و جنگ در افغانستان را طولانی تر و شدید تر سازند.

۴- آمریکا بعد از امضای موافقتنامه شان با طالبان خواسته و دانسته بیشترین امتیازات را به طالبان و استخبارات پاکستان، یعنی تروریستان طالبی، حمایت گران القاعده، داعش، جیش محمد، لشکر طیبه، جنگجویان تروریست کشورهای آسیای میانه مستقر در پاکستان و افغانستان، داده است.

۵- شدت گرفتن ترور های زنجیری روحانیون که بر علیه جنگ و خونریزی موعظه میکنند، غیر از عمل تروریستی طالبان نمیتوان نتیجه گیری دیگری را وارد دانست. همچنان ترور های سیاسی فرهنگیان، فعالان جامعه مدنی و حقوق بشر همان وحشت طالبی است که حمایت گران پاکستاتی و آمریکائی شان فقط بر رسم یک برآمد سمبولیک از عقب مایک، محکومیت شان را ابراز مینمایند. دولت آمریکا، انگلستان و پاکستان به هیچ وجه حاضر نیستند تا طالبان و رهبری سیاسی شان را در قطر تحت فشار جدی و قاطع قرار دهند.

۶- وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا در ایجاد تشنج، تحریک احساسات و نفاق مذهبی و قومی، تضعیف مورال و روحیه اعتماد، در هر یک مقطع حساس، گلی را به آب میدهد.

سوال در اینجاست که چرا و روی کدام هدف، در یک مرحله حساس تاریخی، سیاسی و امنیتی که زمزمه ایجاد حکومت موقت یکبار دیگر از اینجا و آنجا زمزمه میگردد، باز هم مسائل قومی و مذهبی برای ایجاد تقابلات، تحریک احساسات و عمیق شدن درز ها بالا کشیده میشوند؟

۷- ایالات متحده آمریکا عملن طالبان را تحت نام امنیت مراکز نظامی خویش تمویل میکند، ده ها میلیون دالر ماهانه تحویل طالبان میگردد که طالبان با این پول قتل میکنند، مین های کنار جاده میسازند و

با مصئونیت مواد انفجاری را از پاکستان به داخل انتقال میدهند. این خود بیان تمویل طالبان در جنگ علیه مردم افغانستان است.

۸- به نسبت نفوذ و تسلط ناتو و اخصن ایالات متحده آمریکا و انگلستان، نقش دیپلوماتیک ملل متحد و نماینده خاص آن در قضیه افغانستان به صفر تقرب نموده است و گویا در خواب عمیق زمستانی فرو رفته است. عملن دیده میشود که تمامی کارها این سازمان را ناتو و آمریکا در قبضه گرفته و هر گونه ابتکارات صلح را در محاصره خویش قرار داده است و سد گردیده است.

با در نظر داشت فاکت های فوق و بعد از توافقنامه ایالات متحده آمریکا با طالبان دیده میشود که ایالات متحده آمریکا حاضر به گذاشتن یک قدم هم در ایجاد فشار بر استخبارات پاکستان و طالبان توصل نورزیده در حالیکه این قدم ها ممکن، عملی و موثر در تمکین و تن در دادن به ختم جنگ و افغان کشی و آتش بس فوری و سراسری، اخصن دادن حق حیات برای مردم افغانستان میباشد. این واقعیت تثبیت شده است که رفت و برگشت ها و تمام تلاش آقای خلیلزاد گویی فقط و فقط به رهائی مجموع تروریستان طالبی از زندانهای افغانستان متمرکز است نه به تمرکز بدون قید و شرط و بدون چون و چرا به آتش بس فوری.

ایالات متحده آمریکا در سدد رهایی تروریستان است که به شدیدترین جرایم بر ضد انسان انسانیت محکوم و گنهگار اند. به بیان دیگر آمریکا برای اهداف و منافع آزمندانه اش بر رهائی مجرمین و مرتکبین شدیدترین جنایات جنگی و ضد بشریت یک دولت را با تهدیدات تحت فشار قرار میدهد، ولی افراد و سازمانهای دیگر را بخاطر همان منافع آزمندانه اش بدهیچ تروریست مینامد و در لست های سیا ه خویش قرار میدهد.

چرا این فاکت ها و کدام مسایل مبرم را باید ارجحیت باید داد؟

حق حیات اولین واژه و مفهوم برای انسان و انسانیت در اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقدم ترین مفهوم در اولین مبانی اندیشه حق انسان برجسته گردیده است.

با در نظر داشت اینکه مردم مظلوم کشور در بیش از چهل سال در نتیجه جنگ و مداخله از این نعمت طبعی و الهی محروم ساخته شده اند و سلب این حق را بیگانه گان و بوسیله عمال داخلی و فروخته شده خویش بر مردم ما تحمیل نموده اند.

حق حیات و همصدا شدن برای کسب آن سرحد، مذهب و قوم و تبار، حزب و سازمان سیاسی و شخصیت نمیشناسد و نمیتوان برای هم صدا شدن و پیوستن به باز کردن جاده انقلاب امید شرایط و محدودیت های مبتنی بر ذوق، سلیقه و سایر تمایلات را وضع نمود و ضرورت های اشد امروزی را به فردا های گنگ موکول کرد.

برای کسب حق حیات و آتش بس فوری و سراسری در زیر یک سقف آمدن یک ضرورت زمانی، یک ادای مسئولیت دینی، وطنی و یک اجر و ثواب بیشتر هر وجایب دیگر میباشد. با ما و اهداف انسانی ما و بخاطر مردم مظلوم ما همصدا شوید!!!